

Understanding Key Dimensions of Public Policy Leadership: A Conceptual Framework for Typology of Various Approaches

Babak Vatanodost *
Ali Naqi Amiri **
Seyyed Mojtaba Emami ***
Ali Divandari ****
Reza Tehrani *****

Received: 05/12/2017
Accepted: 13/10/2018

Despite the interdisciplinary and multidisciplinary nature of the phenomenon of public policy leadership, being one of the topics of interest among statesmen and researchers in the fields of public administration, public policy, international relations and political science, on the one hand, which has increased the various aspects of this phenomenon from different perspectives, on the other hand, the state of accuracy of descriptions has been cut off from this term. Therefore, in order to avoid confusion among the flood of various and sometimes unrelated aspects, it is worthy to have a guideline to distinguish between studies in terms of scope, definition of the boundary and how to address the subject. In this study, four overarching themes: 1) Theme of public policy leadership, 2) Level of analysis, 3) Scope of influence of the public policy leader; and 4) Mechanism for obtaining legitimacy, were extracted from previous research. Then a matrix of these overarching themes was created which was the basis for the typology of previous studies. Each of different modes of this matrix, which were variations of overarching themes based on integrative themes, was considered as a pattern, and the most frequent patterns were considered as "types". The survey showed that some patterns have not yet been studied, though they are reasonable and feasible. On the other hand, some of the patterns are of great interest to previous scholars. Four types were identified in this study.

Keywords: Public Policy Leadership, Public Policy, Standard Themes, Conceptual Framework

* Ph.d, Campus of Farabi University, Qom

** Professor of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom) (Corresponding Author) anamiri@ut.ac.ir

*** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadeq University, Tehran

**** Professor, Department of Business Management, Faculty of Management, University of Tehran

***** Professor, Department of Finance, Faculty of Management, University of Tehran

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹

بابک وطن دوست*

علی نقی امیری**

سیدمجتبی امامی***

علی دیواندری****

رضا تهرانی*****

چکیده

ذات میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای پدیده رهبری خط‌مشی عمومی که یکی از موضوعات موردعلاقه دولت مردان و پژوهشگران رشته‌های مدیریت دولتی، سیاست‌گذاری عمومی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی است، بر جنبه‌های مختلف این پدیده از دیدگاه‌های مختلف افزوده است؛ اما از سوی دیگر، دقت و صحت توصیف‌ها از این مفهوم کاهش یافته است. بنابراین، برای جلوگیری از سردرگمی میان سیل جنبه‌های گوناگون و گاه نامرتبط، وجود چارچوبی راهنما برای ایجاد تمایز میان مطالعات از نظر حیطه بحث، مشخص کردن مرز آن و چگونگی پرداختن به موضوع، ارزشمند به نظر می‌رسد. در این مطالعه، چهار مضمون کلان ۱. مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی؛ ۲. سطح تحلیل؛ ۳. دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی؛ ۴. سازوکار کسب مشروعیت از پژوهش‌های پیشین، استخراج شده است؛ سپس ماتریسی از این مضامین کلان ساخته شد که مبنای گونه‌شناسی مطالعات پیشین قرار گرفت. هریک از حالت‌های مختلف این ماتریس، که بر اساس مضامین یکپارچه‌کننده مضامین کلان تغییر می‌کردند، به عنوان یک الگو در نظر گرفته شدند و الگوهای پرتکرار، به عنوان «گونه» در نظر گرفته شدند. بررسی انجام شده نشان داد که برخی از الگوها با وجود منطقی بودن و امکان پذیر بودن، هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. از طرفی دیگر، برخی از الگوها بسیار مورد توجه پژوهشگران پیشین بوده‌اند؛ به طوری که چهار گونه (هدایت فرایند خط‌مشی، فردی، ملی، د)، (ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف، دولت، ملی، د)، (ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی کشورها، ب،

* دکتری پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم

** استاد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم (نویسنده مسئول: anamiri@ut.ac.ir)

*** استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

**** استاد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

***** استاد گروه مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

بین‌المللی، توان حل مسائل و مشکلات) و (ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی کشورها، کشور، بین‌المللی، پیشگام‌کنشگر) در این مطالعه شناسایی شد.

واژگان کلیدی:

رهبری خط‌مشی عمومی، خط‌مشی عمومی، مضمون‌های معیار، چارچوب مفهومی.

مقدمه

میراث برجای‌مانده از نظریه‌های مشهور سیاسی، از قبیل استقلال قوای مونتسکیو، نظام سیاسی مبتنی بر انتخابات کوندورسه و دیوان‌سالاری وبر، ساختار فکری بشر درباره ساختار عمومی حاکمیت سیاسی کشورها را به‌گونه‌ای شکل داده است که خط‌مشی‌گذاران، همان سیاست‌مدارانی هستند که با روش انتخابات از سوی مردم یا انتصاب از سوی سیاست‌مداران رده‌بالا تر در مسند شغلی‌ای قرار می‌گیرند که وظیفه‌اش خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری است. چنین دیدگاه‌هایی را می‌توان از متون روز دانشگاهی که نگاهی انتقادی به نظریه‌های موجود دارند (برای مثال: Smith & Larimer, 2009, pp. 49-74) هم به‌خوبی دریافت. با این حال، رگه‌هایی خارج از بدنه اصلی مطالعات خط‌مشی وجود دارد که بر دستاویز بودن مقام‌های رسمی و قانونی و همه‌کاره بودن برخی نهادهای حقیقی یا حقوقی که کمتر افکار عمومی متوجه آن‌ها می‌شود یا تصور دیگری از آن دارند، تأکید می‌کنند (Roberts, 1990, Wallis & Dollery, 1997, Sullivan, et al., 1998, Dyson, 2005)؛ علاوه بر این، نظریه‌های فرایند خط‌مشی عمومی که عمدتاً در سطح چارچوب مطرح شده‌اند، توصیف دقیقی از اینکه چه نهادی خط‌مشی‌گذار است، به‌دست نمی‌دهند و همگی آن‌ها به‌نوعی در تلاش هستند تا سیر تاریخی اتفاقاتی را توصیف کنند که در جامعه مدنی به وقوع می‌پیوندد تا یک مسئله عمومی در جامعه برجسته شود و یک خط‌مشی برای آن مسئله عمومی سیر تولد تا زوال یا حتی مرگ خود را طی کند.

از سویی دیگر، می‌توان گفت که نظریه‌های فرایند خط‌مشی عمومی عموماً فاقد رویکرد عامل‌محور هستند، مگر موارد استثنایی از قبیل نظریه جریان‌ات چندگانه که نقش کارآفرین خط‌مشی در آن تعریف شده است (Zahariadis, 2007, pp. 65-92). در چنین فضایی و با توجه به احساس نیاز پژوهشگران علوم خط‌مشی به نظریه‌های عامل‌محور، نقشی تحت‌عنوان «رهبر خط‌مشی عمومی» تعریف شده است که از نظر پژوهشگران،

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف ۲۰۷

متفاوت از کارآفرین خط‌مشی است (Wallis & Dollery, 1997). این پژوهش‌ها عمدتاً در حوزه ریاست‌جمهوری و عمدتاً در ایالات متحده انجام گرفته‌اند و از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در ادبیات خط‌مشی عمومی قابل‌مشاهده هستند؛ اما توجه به مسئله رهبری در علوم سیاسی، قدمت بسیاری دارد و متعلق به سال‌های اخیر نیست. بررسی تاریخی‌نگارشی و پژوهش در این حوزه حاکی از تلاش همیشگی حکیمان و دانشمندان برای تسهیل تصمیم‌گیری در حوزه عمومی، یافتن چگونگی و بهترین سبک برای رهبری مردم، جلب مشارکت عمومی و بسیاری موارد دیگر در حوزه حکومت و مدیریت عمومی است؛ برای مثال، گزنفون^۱ شاگرد سقراط حکیم در کتاب *سیروپدیا* یا همان *کوروش‌نامه* که در باب پرورش و آموزش فرمانروایان آرمانی بود، در هشت کتاب ضمن توصیف و تحلیل مذاکرات و جنگ‌های کوروش، تربیت و آداب ایرانی کوروش، خصوصیات معنوی کوروش، تعلیمات کوروش به سربازان خود، اخلاق و کرامات کوروش و مقررات و مانورهای جنگی کوروش پرداخته است. این کتاب از آن دست کتاب‌هایی است که فیلسوفان سیاسی‌ای همچون نیکولو ماکیاولی^۲ و ژان ژاک روسو^۳ و نیز رئیس‌جمهورهای مشهور آمریکا، از جمله توماس جفرسون^۴، جان آدامز^۵ و بنجامین فرانکلین^۶ که ملقب به پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا هستند، از آن بسیار تأثیر گرفته‌اند؛ به‌عنوان مثالی دیگر، سان تزو^۷ در کتاب *هنر جنگ* به توصیف استراتژی‌ها و سیاست‌هایی پرداخته است که سالیان دراز راهنمای بسیاری از فرماندهان جنگی و رهبران سیاسی بوده است. نیکولو ماکیاولی در کتاب *شهریار* که یکی از بدنام‌ترین کتاب‌ها در طول تاریخ است، به توصیف نوع حاکمیت و خلق و خوی حاکمان پرداخته است. مطالعات رهبری خط‌مشی عمومی به دلیل شروع بحث‌ها از تحلیل رئیس‌جمهورها به‌عنوان رهبری خط‌مشی عمومی و پس از آن با گسترده‌تر شدن بحث مدیریت شهری و افزایش اختیارات حاکمیتی مدیران و نهادهای شهری و نیز اهمیت یافتن هرچه بیشتر نهادهای بین‌المللی و ایفای نقش کشورها در این عرصه، دچار نوعی ساختارنایافتگی و عدم تمرکز و دقت کافی شده است؛ چراکه کانون مشخصی هدایت این بحث را عهده‌دار نشده است و در نتیجه، با موضوع آن به شدت باز برخورد شده است. همه این موارد در کنار نبود تعریفی جامع و دقیق از پدیده رهبری خط‌مشی عمومی منجر به ایجاد جنگلی از درک‌های متفاوت از این پدیده شده است که این ادراکات متفاوت به عدم تمرکز مطالعات

آتی دامن خواهد زد؛ از این رو پژوهشگران مطالعه حاضر اقدام به شناخت جنبه‌های مختلف این پدیده در پژوهش‌های پیشین کرده‌اند تا ابعاد کلیدی این پدیده که منجر به ایجاد شناخت بهتری از نظرات پژوهشگران پیشین می‌شود، شناسایی شوند و سپس با کشف الگوهای مشترک در به‌کارگیری این ابعاد در مطالعات پیشین به گونه‌شناسی و تحلیل رویکردهای مختلف پژوهشگران پیشین پرداخته‌اند.

۱. مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

خط‌مشی‌گذاری عمومی به صورت هر کاری که دولت برمی‌گزیند تا به انجام برساند یا به انجام نرساند (Dye, 2013, p. 3) یا «اقدامات، اهداف و اظهارنظرهای رسمی دولت‌ها بر روی موضوعات خاص، گام‌هایی که برای پیاده‌سازی آن‌ها برمی‌دارند (یا موفق نمی‌شوند که بردارند) و توضیحاتی که برای وصف آنچه روی داده است (یا روی نداده است) ارائه می‌کنند» (Wilson, 2006, p. 154) تعریف شده است. همواره و تقریباً در تمامی تعریف‌هایی که از خط‌مشی عمومی ارائه شده‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم، به نقش اصلی دولت در خط‌مشی‌های عمومی اشاره شده است. اما با دورشدن از خط‌مشی‌گذاری عمومی به عنوان یک مفهوم و پرداختن به آن به عنوان یک رشته مطالعاتی، حوزه‌های بسیاری حول محور خط‌مشی‌گذاری عمومی پدیدار می‌شوند (Smith & Larimer, 2009, pp. 21-23) که با دقیق شدن بر روی هریک از آن‌ها و سؤالاتی که پژوهشگران در هر کدام از این حوزه‌ها به دنبال پاسخ به آن‌ها هستند، نهادهای مختلفی در درون بدنه حاکمیت یک کشور و خارج از دولت تا سازمان‌های خصوصی و غیردولتی و حتی فراتر از مرزهای کشور و در سطح بین‌المللی در خط‌مشی‌گذاری عمومی یک کشور تأثیرگذار هستند و حتی در برخی از موارد، ایفاگر نقش اول هستند؛ به عنوان مثال، ناسا (اداره ملی هوانوردی و فضایی ایالات متحده) به عنوان اجراکننده خط‌مشی‌های فضایی کنگره و کاخ سفید در عرصه فضایی در نظر گرفته شده است، اما این سازمان با تهییج افکار عمومی در مورد برنامه‌هایش، عملاً به بازیگر اصلی خط‌مشی‌های فضایی آمریکا تبدیل شده است (Roberts, 1990). صندوق بین‌المللی پول با اعطای وام به کشورها در ازای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های اقتصادی مدنظر این صندوق، عملاً نقش اصلی خط‌مشی‌گذاری در کشورهای بحران‌زده نیازمند وام‌های بین‌المللی را ایفا می‌کند (استیگلیتز^۱، ۱۳۹۳: ۳۳ و ۳۴). رژیم اشغالگر قدس از طریق کمک‌های مالی آپیک (کمیته روابط عمومی آمریکا و رژیم

اشغالگر قدس) در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایالات متحده و گرفتن وعده کمک از سوی رئیس‌جمهور منتخب، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و اشغال کشور فلسطین توسط این رژیم، نقش اصلی را در خط‌مشی‌های آمریکا در حوزه‌های نظامی و امنیتی در خاورمیانه و روابط با اعراب و ایران ایفا می‌کند.

با توجه به این پیش‌زمینه درباره خط‌مشی‌گذاری عمومی، می‌توان بازیگران مختلفی را بر خط‌مشی‌گذاری عمومی تصور نمود که هر یک از آن‌ها بر اساس منافع به ایفای نقش و تأثیرگذاری می‌پردازند. علت شکل‌گیری حوزه رهبری خط‌مشی عمومی را می‌توان در علاقه پژوهشگران به این سؤال‌ها دانست: ۱. چه شخص یا نهاد حقیقی یا حقوقی‌ای هدایتگر و خط‌دهنده اصلی خط‌مشی‌گذاری در موردی خاص است؟ و ۲. چگونه به آن موقعیت دست یافته است؟

پژوهش حاضر ابتدا با هدف درک چستی این پدیده آغاز شد و در فحوای مطالعات پژوهشگران پیشین، به این دو سؤال ضمنی رسید. اگر با توجه به تعریف‌هایی که از خط‌مشی عمومی به ذهن متبادر می‌شود، درصدد پاسخ‌گویی به سؤال اول باشیم، پاسخی به‌جز دولت نمی‌توان بدان داد و چگونگی دست‌یابی آن به این موقعیت نیز از کانال‌های انتخابات، کودتا، انقلاب و... قابل‌تصور است؛ اما همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، پاسخی که ادبیات رهبری خط‌مشی عمومی برای این سؤال‌ها داشت، فراتر از دولت بود (Roberts, 1990, Vanderheiden, 2012, Ellerman, 2013). علاوه بر این، با توجه به اینکه فرایند خط‌مشی عمومی، محور بسیاری از پژوهش‌های علوم خط‌مشی عمومی قرار گرفته است، دسته‌ای از مطالعات رهبری خط‌مشی عمومی نیز وجود دارد که به سیاق رایج، این فرایند را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند و با نگاهی ساده که صرفاً فرایند خط‌مشی عمومی را عامل محور می‌کند، رهبری خط‌مشی عمومی را تأثیرگذاری مستقیم و هدایت فرایند خط‌مشی عمومی می‌دانند (Banovetz, 1994, Weatherford, 2009)؛ در حالی که در برخی مطالعات شاهد تأثیرگذاری خفیف و دور از چشم بر فرایند خط‌مشی عمومی و هدایت آن هستیم (Wallis & Dollery, 1997). از آن سو، در برخی مطالعات در این حوزه می‌توان ملاحظه کرد که برای دست‌یابی به موقعیت رهبری خط‌مشی عمومی، راه‌های دیگری فراتر از خرد متداول در علوم خط‌مشی عمومی نیز وجود دارند که با تغییر توجه از «فرایند خط‌مشی عمومی» به «چگونگی کسب مشروعیت» هستند (Cerny, 1979).

ادبیات موجود خط‌مشی عمومی و پاسخ‌هایی که با تدقیق در حوزه رهبری خط‌مشی عمومی به آن‌ها دست می‌یابیم، باعث شد تا پژوهشگران این مطالعه، پاسخ به سؤال‌های موجود را در ادبیات این حوزه کاوش کنند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهشگران این مطالعه در جست‌وجوی ابزاری برای یافتن الگوهای موجود در مطالعات پیشین در حوزه رهبری خط‌مشی عمومی به‌منظور درک بهتر آن‌ها از طریق گونه‌شناسی بودند. به‌منظور ایجاد چارچوبی مفهومی برای انجام این گونه‌شناسی، از آنجایی که پژوهشگران این مطالعه با یافتن ابعاد مشترک و طبقه‌بندی آن‌ها و تلاش برای تجمیعشان و پوشش تمامی مفاهیم مطرح‌شده مرتبط مواجه بوده‌اند، لذا در اینجا از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش توصیفی که فرصت کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها در قالب مضامین را فراهم (Alhojailan, 2012) کرده و یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌کند (Given, 2008)، پیش‌تر نیز در پژوهشی مشابه برای گونه‌شناسی مدل‌های مدیریت عملکرد سازمانی به‌کارگرفته شده است (یاوری و زاهدی، ۱۳۹۲). عدم وابستگی این روش به جایگاه نظری و معرفت‌شناسی خاص، انعطاف آن را بالا می‌برد؛ لذا برای تحلیل حجم بالایی از داده‌های پیچیده و مفصل می‌توان از آن استفاده کرد (Braun & Clarke, 2006). آنچه این روش در بر داشت، کاستن از حجم انبوه داده‌ها و مدیریت بر آن‌ها بدون از دست دادن زمینه برای سازمان‌دهی و تلخیص داده‌ها و متمرکزسازی تفسیر (Mills, et al., 2010) بود که بیشترین سازگاری را با هدف این پژوهش داشت.

اما داده‌هایی که برای انجام تحلیل مضمون انتخاب شدند، از میان مطالعات پیشین این حوزه جمع‌آوری شدند. با توجه به پیشرفت و تکامل فناوری موتورهای جست‌وجوی اینترنتی و نیز تکامل و افزایش قابلیت اطمینان پایگاه‌های داده‌های اینترنتی، هم‌جهت با سایر بررسی‌های نظام‌مند در حوزه‌های مختلف مطالعاتی، روش جمع‌آوری داده‌ها، جست‌وجو در پایگاه‌های داده‌های اینترنتی بود که با استفاده از انتخاب کلیدواژه برگزیده شد؛ همچنین با توجه به محدودیت‌های موجود در زمان و هزینه بررسی‌ها و از طرفی دیگر، رعایت معیار جامعیت بررسی به‌منظور پیش‌گیری از سوگیری‌های احتمالی در زمینه

انتخاب مطالعات انجام گرفته، دو پایگاه داده EBSCO و SCOPUS که بیشترین مجلات علمی و مطالعات منتشر شده در حوزه علوم خط‌مشی گذاری عمومی را تحت پوشش قرار می‌دادند و نیز موتور جست‌وجوی Google Scholar به‌خاطر گستردگی طیف جست‌وجوهایش روی تمامی پایگاه‌های داده‌ها برای پوشش مطالعاتی که خارج از دو پایگاه داده‌های مذکور چاپ شده‌اند، انتخاب شدند.

بسیاری از نویسندگان حوزه خط‌مشی گذاری عمومی، به‌جای عبارت کامل «خط‌مشی عمومی»،^۹ از واژه مختصرتر «خط‌مشی» استفاده می‌کنند و از آنجایی که این واژه مختصر شده در رشته‌های مختلف به‌جای «سیاست»،^{۱۰} «سیاسی»،^{۱۱} «استراتژی»،^{۱۲} «چشم‌انداز»،^{۱۳} «برنامه»^{۱۴} و «نقشه راه»^{۱۵} به‌کار گرفته شده است، مشخص بود که ممکن است جست‌وجوی اولیه با طیف مختلفی از داده‌های زائد مواجه شود؛ بنابراین در گام اول برای از دست‌نرفتن برخی مطالعات، به‌جای عبارت «رهبری خط‌مشی عمومی»، عبارت «Policy Leadership» در پایگاه‌های داده‌های مختلف جست‌وجو شد که این تنظیمات برای این جست‌وجوها لحاظ شده بودند: زبان مطالعات «انگلیسی» تنظیم شد. مدت زمان کاملاً باز گذاشته شد. محل جست‌وجوی این عبارت در عنوان، کلیدواژه‌ها و متن تنظیم شد. نتیجه اولیه این جست‌وجو ۱۶ هزار و ۲۰۰ مطالعه بود که با حذف تمامی مقاله‌هایی که میان دو واژه تشکیل‌دهنده این جست‌وجو از برخی کاراکترها غیر از «فاصله» استفاده کرده بودند، تعداد ۶۳۴ مقاله باقی ماند. از این تعداد، ۴۳ مقاله، کتاب، پایان‌نامه و گزارش علمی بود که با محور قراردادن موضوع «رهبری خط‌مشی عمومی» نگاشته شده بودند و مابقی آن‌ها استفاده‌ای جانبی از این عبارت داشتند، بدون آنکه به معنای آن پردازند. در آخرین گام از این مرحله، با بررسی این ۴۳ مطالعه و با توجه به منظور نویسنده از واژه خط‌مشی گذاری، مطالعاتی با معانی دیگری از این واژه که پیشتر ذکر شدند، مطالعاتی که در حوزه دولت‌پژوهی نبودند یا آن دسته از مطالعات حوزه دولت که به‌اشتباه از این واژه استفاده کرده بودند که شایع‌ترین آن‌ها، رهبری سیاسی^{۱۶} بود، حذف شدند. لذا از ۴۳ مطالعه، ۱۳ مطالعه حذف شد و این پژوهش بر ۳۰ مطالعه متمرکز شد.

۳. یافته‌های تحقیق

پژوهشگران این مطالعه پس از چندین مرحله مطالعه و آشنایی با داده‌ها به این نتیجه رسیدند که طبقه‌بندی و گونه‌شناسی مطالعات پیشین را با استفاده از چند بُعد «مضمون

کلان» در سلسله‌مراتب مضامین کلیدی و یکپارچه‌کننده و کلان (King & Horrocks, 2010, p. 159) به نقل از عابدی جعفری و همکاران، (۱۳۹۰) انجام دهند. مضمون‌های کلانی که در تحلیل‌ها برای طبقه‌بندی مدنظر حاصل شدند، عبارت بودند از: ۱. معنا و منظور پژوهشگر از عبارت «رهبری خط‌مشی عمومی»؛ ۲. سطح تحلیل انجام‌گرفته در مطالعه؛ ۳. دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی؛ ۴. سازوکار کسب مشروعیت برای رهبری. در ادامه، تحلیل‌ها و یافته‌های این پژوهش که منجر به بروز این چهار بعد شدند، ارائه شده است.

۳-۱. طبقه‌بندی مطالعات پیشین بر اساس معنا و منظور پژوهشگران

با توجه به افتراق موجود میان معانی به‌کارگرفته‌شده برای رهبری خط‌مشی عمومی، وجود این معیار برای تفکیک و طبقه‌بندی مطالعات، از سوی پژوهشگران این مطالعه لازم دیده شد؛ از این رو و با توجه به وجود فقط دو تعریف از این پدیده در میان مطالعات پیشین، با استفاده از روش تحلیل مضمون، معنا و منظور نویسندگان از میان متن‌ها با استفاده از تکنیک «برش و مرتب‌سازی» (Ryan & Bernard, 2003)، قسمت‌هایی از متن پژوهش‌ها که نحوه به‌کاربردن این عبارت را نشان می‌دادند و دربردارنده مقصود پژوهشگران از عبارت رهبری خط‌مشی عمومی بودند، برش خوردند و کد دریافت کردند. برخی از پژوهش‌ها حاوی چندین کد متنی بودند. در مجموع، تعداد ۸۲ متن توسط پژوهشگران این پژوهش کدگذاری شدند؛ سپس مجموعه این متن‌های کدگذاری‌شده توسط دو تن از پژوهشگران این پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفتند و از مرتب‌سازی و کنار هم قراردادن کدهای مربوط به هریک از پژوهش‌ها و از دل بحث‌های انجام‌گرفته، ۱۷ مضمون کلیدی استخراج شد که با دسته‌بندی آن‌ها، ۳ مضمون یکپارچه‌کننده پدیدار شدند که تمامی ۳۰ پژوهش تحت بررسی را پوشش می‌دادند. توصیه صاحب‌نظران برای افزایش قابلیت اعتماد نتایج حاصل از یک پژوهش کیفی، تصدیق دقت داده‌های استخراج‌شده از منبع اصلی برحسب فرم و محتوا از طریق مقایسه مداوم است که یا به‌تنهایی یا به‌همراه همکاران پژوهش انجام می‌گیرد (Leung, 2015). یکی از روش‌های افزایش قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی، استفاده از چند پژوهشگر کدگذار است (Neuendorf, 2002, p. 161) و در پژوهش‌هایی که با استفاده از تحلیل مضمون انجام می‌گیرند نیز استفاده از چند پژوهشگر، هم به‌عنوان ناظر بر فرایند کدگذاری و شکل‌گیری مضمون‌ها و هم به‌عنوان همکار مستقل در فرایند کدگذاری و شکل‌دهی به مضمون‌ها به‌منظور مقایسه دو مجموعه

بازخورد تأکید شده است (Alhojailan, 2012) تا بتوان قابلیت اعتمادی شبیه به قابلیت اعتماد از دیدگاه اثبات‌گرایی را در پژوهش‌های تحلیل مضمون ایجاد کرد (Hosmer, 2008, p. 52). در پژوهش‌های کیفی، از جمله تحلیل محتوا، برای سنجش قابلیت اعتبار از شاخص‌های تعیین میزان توافق میان پژوهشگران کدگذار استفاده می‌شود (Neuendorf, 2002, p. 150) که برای پژوهش حاضر نیز این روش وام گرفته شده است. ضریب کاپای کوهن^{۱۷} به‌عنوان شاخصی متداول (Neuendorf, 2002, pp. 150-151&161) برای این منظور محاسبه شد که چون $\text{Sig} < 0.01$ و $\text{Kappa} = 0.871$ ، بنابراین در طبقه‌بندی ۱۷ مضمون کلیدی در ۳ مضمون یکپارچه‌کننده، توافق قدرتمندی میان پژوهشگران وجود داشته است. جدول ۱ مربوط به محاسبه ضریب کاپا در نرم‌افزار SPSS 16.0 است.

جدول ۱. محاسبه ضریب کاپا برای سنجش میزان توافق در مضمون معنا و منظور

پژوهشگران در SPSS 16.0

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Measure of Agreement Kappa	.871	.085	6.454	.000
N of Valid Cases	30			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

سه مضمون یکپارچه‌کننده پدیدار شده عبارت بودند از: ۱. هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ ۲. ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف؛ ۳. ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها. نمونه‌هایی از متن‌های کدگذاری شده در جدول ۲ نشان داده شده است. در مضمون «ایفای نقش اصلی» پیش‌فرض این است که چند بازیگر وجود دارد و رهبر خط‌مشی عمومی، اصلی‌ترین بازیگری است که یا تأثیر اصلی را بر خط‌مشی‌گذاری عمومی دارد یا اینکه دیگر بازیگران چشم به آن دارند. در مضمون «هم‌گرایی خط‌مشی عمومی» نیز که صرفاً در عرصه بین‌المللی مطرح می‌شود، پیش‌فرض این است که برخی کشورها پذیرنده خط‌مشی عمومی هستند و برخی کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی نقش الگو را برای آن‌ها بازی می‌کنند و دیگر کشورها خط‌مشی عمومی خود را نزدیک به آن خط‌مشی عمومی تعیین می‌کنند. در هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی نیز تأکید عمده نویسندگان این حوزه بر این بود که داشتن نقشی مشهود اصلاً مهم نیست؛ بلکه مهم این است که خط‌دهنده پشت‌صحنه کیست.

۲-۳. طبقه‌بندی مطالعات پیشین بر اساس سطوح تحلیل

انتخاب معیارهایی برای طبقه‌بندی مطالعات پیشین، فعالیتی خلاقانه و کاملاً مرتبط با نحوه کدگذاری متن مطالعات پیشین است؛ اما در این میان، برخی طبقه‌بندی‌ها الگوی مشخص‌تر و استانداردتری نسبت به سایرین دارند. یکی از الگوهای طبقه‌بندی مشهور که بسیار مورد استفاده قرار گرفته است، طبقه‌بندی سطوح تحلیل است. سطوح تحلیل، یکی از چارچوب‌های تحلیلی نام‌آشنا در علوم اجتماعی و انسانی است که در شاخه‌های مختلف آن از جمله در ادبیات رهبری (Avolio & Yammarino, 1990) مورد استفاده قرار گرفته است. از این الگوی طبقه‌بندی در علوم سیاسی و مدیریت دولتی در مطالعاتی که چارچوب تحلیل و توسعه نهادی را محور پژوهش خود قرار داده‌اند (Ostrom, 2007)، بهره‌فراوانی گرفته شده است. با این طبقه‌بندی به اولین سؤالی که آغازگر این پژوهش بود، پاسخ داده و مشخص می‌شود که در مطالعات پیشین، چه شخص یا نهادی به‌عنوان رهبر خط‌مشی عمومی در نظر گرفته شده است. از آنجایی که نویسندگان پیشین به چنین طبقه‌بندی‌ای در مطالعات خود اشاره نکرده بودند، لذا پژوهشگران این مطالعه ناچار به استفاده از تحلیل مضمون مطالعات پیشین بودند و برای این کار از تکنیک «هم‌پیشامدی»^{۱۸} (Ryan & Bernard, 2003) استفاده کردند که در آن، دو تن از پژوهشگران این مطالعه، نزدیک‌ترین نهادی را که از آن با عنوان «رهبر خط‌مشی» یاد شده بود، در یک فهرست لغات قرار دادند و با توجه به حساسیت نظری خود، پنج مضمون یکپارچه‌کننده یا همان سطح تحلیل ۱. فردی؛ ۲. سازمانی؛ ۳. دولت-مرکزی یا محلی؛ ۴. کشور؛ ۵. نهادهای بین‌المللی (شامل سازمان‌های بین‌المللی، کارتل‌های بین‌المللی، ائتلاف‌ها و میثاق‌نامه‌های بین‌المللی) را در این فهرست تشخیص دادند. سه پژوهشگر دیگر این مطالعه نیز با دریافت فهرست کدها ابتدا ۷ سطح تحلیل را تشخیص دادند؛ سپس با مذاقه بیشتر و تفکیک فائل‌شدن میان جنبه‌های مختلف مضمون‌های معیار، به پنج سطح تحلیل بسیار مشابه با دستاورد گروه اول رسیدند، سپس انتخاب واژگان برای این پنج سطح تحلیل با دستاورد گروه اول مقایسه شد و اصلاحات انجام گرفت و واژه‌ها با هم یکسان‌سازی شدند که نتیجه آن، عنوان‌هایی هستند که پیش‌تر مطرح شدند. سپس گروه دوم، هریک از مطالعات پیشین را طبقه‌بندی کردند.

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف ۲۱۵

جدول ۲. نمونه‌هایی از متن‌های کدگذاری شده به همراه تحلیل مضمون آن‌ها برای درک معنا و منظور پژوهشگران از عبارت رهبری خط‌مشی عمومی

مضمون یکپارچه‌کننده	مضمون کلیدی	متن کدگذاری شده	برچسب قطعه‌متن	شناسه مطالعه
هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی	اشاره به عاملیت در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی	رهبری خط‌مشی عمومی عبارت است از عمل تحریک، تدوین و پیاده‌سازی خط‌مشی عمومی در میان ذی‌نفعان و حوزه‌های انتخاباتی چندگانه و گوناگون.	Lu00-2	Luke, 2000
ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	اشاره به دلیل برتری میان سایر بازیگران	...پیش از ازدست‌رفتن رهبری دولت فدرال کانادا در این حوزه‌ها، تأمین مالی قوانین اجتماعی برعهده دولت فدرال بود... دولت فدرال نقش اصلی را پس از جنگ جهانی در تأمین مالی تأمین اجتماعی کانادا برعهده داشت...	BG04-5 & BG04-8	Boismenu & Graefe, 2004
ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها	تقلید از خط‌مشی	بانک‌های مرکزی سایر کشورهای اروپایی در بلندمدت منافع کشورهای خود را فدای خط‌مشی‌های عمومی «بوندس‌بانک» نمی‌کنند؛ اما در کوتاه‌مدت، به‌خاطر ضدتورمی بودن خط‌مشی‌های عمومی بوندس‌بانک، خط‌مشی‌های عمومی خود را نزدیک و هم‌راستا با آن اتخاذ می‌کنند.	HK94-7	Hafer & Kutan, 1994
ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها	تدوین و انتشار استانداردهای بین‌المللی	OECD سالیان متمادی در جایگاه اصلی تدوین و انتشار هنجارهای خط‌مشی عمومی در حوزه مالیات قرار داشته است... ظهور G20 به‌عنوان رهبر خط‌مشی عمومی اقتصادی این معماری را تغییر نداد؛ اما فرصتی برای کنارگذاشتن OECD و نشستن در جایگاه آن و تعیین استانداردهای مورد توافق است...	Ch10-7	Christians, 2010

تعداد قطعه‌متن‌های کدگذاری شده موجود در فهرست مورد بررسی دو گروه، ۳۲ عدد بود که نام رهبر خط‌مشی را با عین واژه رهبری خط‌مشی یا متنی که دلالت بر این واژه داشت، هم‌رویداد کرده بودند. برخی از این قطعه‌متن‌ها به‌همراه کدگذاری آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. تحلیل مضمون سطوح تحلیل مطالعات پیشین

ارزیابی سطح تحلیل	قطعه‌متن	کد قطعه‌متن	شناسه مطالعه
فردی	بسیاری از بوروکرات‌ها، زنانی هستند که معمولاً بازیگرانی «مخفی‌اند» و از آنجایی که به چشم نمی‌آیند، اغلب دارای نقش رهبری در توسعه خط‌مشی عمومی در نظر گرفته نمی‌شوند.	PA01-LA-02	Palley, 2001
سازمانی	...ناسا (سازمان فضایی آمریکا) با دفاع کردن از پروژه‌های بزرگ فضایی و تأمین تدارکات برای آن، پیش از آنکه توافق در خط‌مشی عمومی حاصل شده باشد، نقش رهبری در این حوزه را در دست گرفته است.	Ro90-LA-01	Roberts, 1990
دولت	قدرت مصرف فدرال [آمریکا]، بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به‌طور مختلف، منجر به رهبری خط‌مشی دولت فدرال در عرصه اجتماعی شد.	TGB08-LA-02	Telford, et al., 2008
کشور	عامل کلیدی برای ایجاد نظام تجارت جهانی لیبرال، حضور کشوری بزرگ است که نقش رهبری در خط‌مشی گذاری تجارت بین‌المللی را ایفا کند.	CL01-LA-01	Coates & Ludema, 2001
نهادهای بین‌المللی	OECD مدت‌ها جایگاه تدوین و انتشار بین‌المللی هنجارهای خط‌مشی مالیات را در اختیار داشت و خود را «رهبر بازار در توسعه استانداردها و دستورالعمل‌های مالیاتی» می‌نامید.	Cr10-LA-04	Christians, 2010

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف ۲۱۷

در این بخش از این پژوهش نیز برای سنجش قابلیت اعتبار، ضریب کاپای کوهن محاسبه شد. از آنجایی که $\text{Sig} < 0.01$ و $\text{Kappa} = 0.884$ ، بنابراین میزان توافق نیرومندی میان پژوهشگران وجود داشته است. جدول ۴ مربوط به محاسبه ضریب کاپا در نرم‌افزار SPSS 16.0 است.

جدول ۴. محاسبه ضریب کاپا برای سنجش میزان توافق در مضمون سطوح تحلیل در SPSS 16.0

Symmetric Measures				
	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Measure of Agreement Kappa	.884	.076	7.920	.000
N of Valid Cases	30			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

۳-۲-۱. سطح تحلیل فردی

در این سطح تحلیل که بیشترین میزان مطالعات در این سطح تحلیل انجام گرفته بودند، رهبر خط‌مشی عمومی را یک فرد در نظر می‌گیرند. رهبران خط‌مشی عمومی در این سطح از تحلیل، رئیس‌جمهور (Cerny, 1979, Thomas & Sigelman, 1984, Barilleaux, 1985, Weatherford, 1994 & 2009, Wallis & Dollery, 2005, Curtin, 2008, Gleeson, 2009)، رئیس‌مجلس (Weatherford, 1994) و صاحب‌منصبان و افراد بانفوذ در دستگاه حکومتی (Banovetz, 1994, Dunne, 1997, Wallis & Dollery, 1997, Sullivan, et al., 1998, Huang, 2000, Palley, 2001, Lingenfelter, 2012, Graves, 2014) معرفی شده‌اند.

۳-۲-۲. سطح تحلیل سازمانی

گاهی یک سازمان به دلیل جایگاه یا نقشی که دارد، می‌تواند رهبری خط‌مشی عمومی را در دست داشته باشد. تعداد مقالاتی که تحلیل خود را در سطح سازمان انجام داده‌اند، اندک هستند؛ اما به‌خاطر موضوعات خاصی که به آن‌ها پرداخته‌اند، شایسته توجه‌اند. در میان مقالات موجود در این سطح، نقش تنظیم‌گری یا رگولاتوری (Hafer & Kutan, 1994) و نیز تأمین‌کننده خدمات (Roberts, 1990) قابل مشاهده است.

۳-۲-۳. سطح تحلیل دولت-مرکزی یا محلی

برخی از پژوهشگران مطالعات پیشین، علاقه‌مند به مسائل عمومی‌ای بوده‌اند که دو نهاد دولت مرکزی و دولت محلی در نظام‌های حکومتی فدرال بر سر پرداختن به آن با یکدیگر

رقابت می‌کنند و هریک در تلاش‌اند تا رهبری خط‌مشی عمومی در آن موضوع را به‌دست بگیرند. فارغ از نتیجه‌ی هنجاری‌ای که پژوهشگر در پایان مطالعه‌ی خویش می‌گیرد، که رهبری در دستان دولت مرکزی (Boismenu & Graefe, 2004, Kershaw, 2006) باشد یا دولت محلی (Gerry, 1985)، یا اینکه صرفاً به تحلیل این کشمکش بپردازد (Telford et al., 2008)، تمامی چنین مطالعاتی در این سطح از تحلیل قرار می‌گیرند؛ علاوه بر این، در برخی از مسائل داخلی، مخصوصاً مسائل توسعه‌ای که نیاز به دخالت و حمایت دولت برای شکل‌گیری، گسترش یا استمرار یک صنعت، فناوری، استاندارد، دستورالعمل و غیره وجود دارد نیز، نقش دولت در رهبری خط‌مشی عمومی برجسته می‌شود (Biggs & Polomska, 2013).

۳-۲-۴. سطح تحلیل کشور

در این سطح از تحلیل، مسائل مورد بررسی، مسائلی است که میان کشورها رخ می‌دهد که در آن، مجموع عملکرد نهادهای مختلف شامل دولت، مجلس، دستگاه قضایی، بخش خصوصی و غیره که متعلق به یک کشور هستند، در قالب یک کل به‌هم پیوسته در نظر گرفته می‌شوند و در مجموع با نام آن کشور شناخته می‌شوند. مطالعاتی که در این سطح تحلیل قرار گرفته‌اند، همگی به لزوم پیشگامی کشور قدرتمندتر برای تسهیل حرکت سایر کشورهای ضعیف‌تر و عدم بازگشت به نقطه‌ی اول اشاره دارند (Coates & Ludema, 2001, Vanderheiden, 2012).

۳-۲-۵. سطح تحلیل ائتلافی از کشورها در قالب سازمان‌های بین‌المللی

برخی از مطالعات در سطحی به تحلیل می‌پردازند که ائتلاف چند کشور یا سازمان بین‌المللی را به‌عنوان رهبر خط‌مشی عمومی در نظر گرفته‌اند. از جمله چنین نهادهایی که در این سطح از تحلیل می‌توان آن‌ها را به‌عنوان رهبر خط‌مشی عمومی در نظر گرفت، عبارت‌اند از: اتحادیه‌ی اروپا (Levy, 1997, Ellerman, 2013)، سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، جی ۲۰ (Christians, 2010)، یونسکو، اوئی‌سی‌دی (Christians, 2010) و غیره.

۳-۳. طبقه‌بندی مطالعات پیشین بر اساس دامنه‌ی نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی

میزان فراگیر بودن دامنه‌ی نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی، مضمون کلان دیگری بود که نظر

پژوهشگران این مطالعه را به خود جلب کرد؛ چراکه مهم است که کار رهبری خط‌مشی عمومی در چه حوزه جغرافیایی‌ای انجام می‌گیرد، که البته این موضوع به این امر بستگی خواهد داشت که آن خط‌مشی عمومی، دارای چه ذی‌نفعانی است. آیا ذی‌نفعان آن خط‌مشی، فراتر از مرزهای کشور می‌روند یا اینکه آن‌ها در داخل مرزهای کشور قرار دارند؟ بر همین مبنا، مطالعات پیشین در دو دسته دامنه نفوذ ملی و دامنه نفوذ بین‌المللی تقسیم شدند. از آنجایی که مجدداً چنین طبقه‌بندی‌ای در مطالعات پیشین وجود نداشت، لذا پژوهشگران این مطالعه باز هم ناچار به استفاده از تحلیل مضمون مطالعات پیشین با استفاده از تکنیک «برش و مرتب‌سازی» (Ryan & Bernard, 2003) بودند تا قسمت‌هایی از متن‌ها را که اشاره به ذی‌نفعان این خط‌مشی‌ها داشتند، در کنار یکدیگر قرار دهند تا دامنه نفوذ رهبری خط‌مشی عمومی از آن‌ها حاصل شود. برای این منظور، یکی از پژوهشگران این مطالعه، اقدام به جمع‌آوری تکه‌متن‌هایی کرد که در هریک از مطالعات به ذی‌نفعان اشاره داشتند. با توجه به نحوه ورود به بحث و سبک خاص هریک از مطالعات، در برخی از آن‌ها اشاره‌ای به ذی‌نفعان نشده بود و پژوهشگران این مطالعه ناچار به توسعه پروتکلی برای رفع این نقص بودند که عبارت از این بود: تا زمانی که هیچ نشانه‌ای مبنی بر بین‌المللی نبودن خط‌مشی عمومی پیدا نشده باشد، آن خط‌مشی عمومی برای همان ناحیه جغرافیایی مورد اشاره در متن، که همگی در دایره حیطه ملی قرار می‌گرفتند، در نظر گرفته می‌شود. پس از جمع‌آوری، مرتب‌سازی و کدگذاری متن‌ها، یکی دیگر از پژوهشگران، کار نفر اول را چک کرد تا تمامی داده‌ها برای قضاوت فارغ از سوگیری، جمع‌آوری و مرتب‌سازی شده باشند؛ سپس سایر پژوهشگران این مطالعه در قالب دو تیم، با توجه به متن‌های جمع‌آوری‌شده، مقالات را در یکی از دو دسته مذکور طبقه‌بندی کردند. در جدول ۵ برخی از تحلیل مضمون‌های مطالعات پیشین ارائه شده‌اند.

در این بخش از این پژوهش نیز برای سنجش قابلیت اعتبار، ضریب کاپای کوهن محاسبه شد. از آنجایی که $\text{Sig} < 0.01$ و $\text{Kappa} = 0.918$ ، بنابراین میزان توافق قوی‌ای میان پژوهشگران وجود داشته است. جدول ۶ مربوط به محاسبه ضریب کاپا در نرم‌افزار SPSS 16.0 است.

دامنه نفوذ رهبر از این جهت مهم به نظر می‌رسد که برای حل برخی از مسائل عمومی از قبیل مسائل زیست‌محیطی، نیاز است که رهبر خط‌مشی عمومی، پا را فراتر از نظام

خط‌مشی ملی بگذارد و آن را در فضای بین‌المللی حل کند تا آثار آن در فضای ملی نیز ساطع شود (Ellerman, 2013, Vanderheiden, 2012).

جدول ۵. نمونه تحلیل مضمون دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی در میان مطالعات پیشین

شناسه مطالعه	کد قطعه متن	قطعه متن	ارزیابی دامنه نفوذ رهبری خط‌مشی
Boismenu & Graefe, 2004	BG04-IDL-01	دولت فدرال	دامنه نفوذ ملی
	BG04-IDL-02	شورای سلامت و امور اجتماعی کانادا	
	BG04-IDL-03	شورای کبک	
	BG04-IDL-04	بنیاد نوآوری کانادا	
	BG04-IDL-05	شورای پژوهش‌های پزشکی کانادا	
	BG04-IDL-06	شهروندان ایالت‌های کبک، اونتاریو و اوتاوا	
Christians, 2010	Ch10-IDL-01	مطرح‌سازی G20 در نقش انجمنی مناسب برای بیان خط‌مشی اقتصادی جهانی	دامنه نفوذ بین‌المللی
	Ch10-IDL-02	نقش پیشین OECD به عنوان رهبر جهانی در توسعه استانداردها و راهنماهای مالیاتی	
	Ch10-IDL-03	بازتعبیر استانداردهای پیشین OECD با عنوان استانداردهای مالیاتی مورد موافقت بین‌المللی	

همچنین در برخی از مسائل، از قبیل تجارت بین‌المللی و مهاجرت که نیازمند هماهنگی‌های میان کشورها هستند نیز تأثیرگذاری ملی رهبر خط‌مشی عمومی کفایت لازم را ندارد و لازم است تا در صورت وجود مشکلی در این قبیل عرصه‌ها، یک رهبر خط‌مشی بین‌المللی در قالب یک کشور یا یک نهاد بین‌المللی به رفع مشکل مزبور پردازد (Barilleaux, 1985, Coates & Ludema, 2001). علاوه بر موارد ذکر شده در اینجا، افکار عمومی در برخی از کشورها، توان رئیس‌جمهور برای به‌دست‌گرفتن رهبری خط‌مشی در مسائل بین‌المللی را شرط لازم برای صلاحیت رهبری مسائل داخلی می‌دانند (Cerny, 1979).

جدول ۶. محاسبه ضریب کاپا برای سنجش میزان توافق در مضمون دامنه نفوذ رهبر

در SPSS 16.0

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Measure of Agreement Kappa	.918	.080	5.045	.000
N of Valid Cases	30			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

۴-۳. طبقه‌بندی مطالعات پیشین بر اساس چگونگی کسب مشروعیت لازم

در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان به موقعیت رهبری خط‌مشی عمومی دست یافت، یعنی سؤال دوم آغازگر این پژوهش، گونه دیگری از طبقه‌بندی حاصل می‌شود که این گوناگونی‌ها با توجه به «نحوه مشروعیت‌یافتن» در میان مطالعات پیشین پدیدار می‌شوند. روند جمع‌آوری داده‌ها، مرتب‌سازی آن‌ها و چک کردن داده‌ها، عیناً همانند قسمت ۳-۳ انجام گرفته است. تحلیل مضمون متن‌ها ابتدا توسط یک گروه از پژوهشگران این مطالعه انجام گرفت و پنج مضمون برای چگونگی کسب مشروعیت شناسایی شد و هریک از مطالعات پیشین در یکی از این پنج دسته قرار گرفتند؛ سپس همان متن‌ها در اختیار گروه دوم پژوهشگران این مطالعه قرار گرفتند که این گروه چهار مضمون را مورد شناسایی قرار دادند. یکی از پژوهشگرانی که در گروه اول حضور داشت، با مقایسه دو گروه مضمون شناسایی شده متوجه شد که گروه دوم، دو مضمون را در قالب یک مضمون با ادبیاتی متفاوت دسته‌بندی کرده‌اند. با چک کردن این دسته‌بندی جدید با گروه اول، گروه اول ادغام دو مضمون در یک مضمون را کاملاً پذیرفتند. نمونه‌ای از کدگذاری متن‌ها در قالب دسته‌بندی توافق‌شده میان دو گروه در جدول ۷ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، بر اساس تحلیل مضمون انجام‌گرفته، کسب مشروعیت برای دست‌یابی به موقعیت رهبری خط‌مشی عمومی در مطالعات پیشین را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. پیشگام کنشگر؛ ۲. داشتن توان حل مسائل و مشکلات؛ ۳. داشتن برخی ویژگی‌های شخصیتی؛ ۴. قرار گرفتن در جایگاه یا منصبی تأثیرگذار. در ادامه، به‌طور جداگانه به هریک از این چهار نوع می‌پردازیم.

همچون سه بخش قبلی برای سنجش اعتبار، مجدداً از ضریب کاپای کوهن استفاده شده است. از آنجایی که $\text{Sig} < 0.01$ و $\text{Kappa} = 0.847$ ، بنابراین میزان توافق قوی‌ای میان

پژوهشگران وجود داشته است. جدول ۸ مربوطه محاسبه ضریب کاپا در نرم افزار SPSS 16.0 است.

جدول ۷. تحلیل مضمون سازوکار کسب مشروعیت در مطالعات پیشین

ارزیابی چگونگی کسب مشروعیت	قطعه متن	کد قطعه متن	شناسه مطالعه
پیشگام کنشگر	...خط مشی بهینه برای کشور قدرتمند، آزادسازی یک جانبه تجارت است تا بدین طریق، ریسک عدم تصویب آن در این کشور برای دیگر کشورهای ضعیف تر کاهش یابد... .	CL01-LoL-02	Coates & Ludema, 2001
توان حل مسائل و مشکلات	...اما پول در ازای «پاسخ گویی» دولت های محلی به آنها اعطا می شود تا کنترل فدرال بر پیاده سازی خط مشی ها و تصمیمات مرتبط با مخارج آن پول در ایالت ها اعمال شود تا دولت فدرال از این طریق، به اهداف تنظیم شده در برنامه مزبور دست یابد... .	BG04-LoL-01	Boismenu & Graefe, 2004
داشتن برخی ویژگی های شخصیتی	...میزان دستیابی رئیس جمهور به رهبری خط مشی به این بستگی دارد که چه میزان از عموم جامعه تمایل به الگوبرداری روان شناختی از [کاریزمای] وی داشته باشند و خود را با وی تعیین هویت کنند [تأییدی بر تأکید پژوهشگران بر کاریزمای رهبر خط مشی عمومی].	TS84-LoL-03	Thomas & Sigelman, 1984
جایگاه یا منصبی تأثیرگذار	...رئیس جمهور یک کشور، دارای قدرت و جایگاه تأثیرگذاری هم در سطح بین المللی و هم در سطح ملی است، باید این نیروهای کلان اقتصادی را به نفع کشور خود جهت دهد.	Bx85-LoL-02	Barilleaux, 1985

جدول ۸. محاسبه ضریب کاپا برای سنجش میزان توافق در مضمون چگونگی کسب

مشروعیت در SPSS 16.0
Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Measure of Agreement Kappa	.847	.080	7.013	.000
N of Valid Cases	30			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

۳-۴-۱. کسب مشروعیت به‌واسطه پیشگامی کنشگرانه

برخی دیگر از پژوهشگران، مشروعیت لازم برای رهبری خط‌مشی عمومی را در پیشگامی کنشگرانه دانسته‌اند و رهبری خط‌مشی عمومی را منوط به نوعی از خودگذشتگی و پایش‌گذاشتن و الگوشدن برای بقیه در پیروی از آن کرده‌اند. از این دست از مطالعات، کار کوتس و لودما (۲۰۰۱) است که مشروعیت رهبری خط‌مشی عمومی را به کشوری بزرگ و قدرتمند می‌دهد که با پایش‌قدم‌شدن در تصویب داخلی یک خط‌مشی عمومی جهانی موجب کاهش ترس کشور مقابل از تصویب آن خط‌مشی و عدم تصویب آن در کشور قدرتمند شود. وندرهیدن (۲۰۱۲) هم کاملاً با این پس‌زمینه فکری به تحلیل عدم موفقیت پیمان کیوتو می‌پردازد.

۳-۴-۲. کسب مشروعیت به‌واسطه داشتن توان حل مسائل و مشکلات

برخی از پژوهشگران راه کسب مشروعیت لازم برای رهبری خط‌مشی عمومی را «توان حل مسائل و مشکلات» دانسته‌اند. در این میان، حتی از نظر برخی صاحب‌نظران، مشاوره‌دادن برای حل مسائل و مشکلات نیز مشروعیت لازم برای رهبری خط‌مشی عمومی تلقی شده است (Banovetz, 1994).

۳-۴-۳. کسب مشروعیت به‌واسطه داشتن برخی ویژگی‌های شخصیتی

یکی از نهله‌های فکری در ادبیات رهبری، ویژگی‌های رهبر است که عموماً اشاره به ذاتی بودن ویژگی‌های لازم برای رهبری دارند. این دیدگاه در نظریه‌های رهبری خط‌مشی عمومی نیز وارد شده است؛ به‌عنوان مثال، دان (۱۹۹۷) با مطرح کردن روحیه کارآفرینی و عمل‌گرایی برای حمایت از مدل‌های جدید در برخورد با مشکلات جامعه، از طریق ذکر مشخصات لازم به توصیف رهبر خط‌مشی می‌پردازد.

۳-۴-۴. کسب مشروعیت به واسطه جایگاه یا منصبی تأثیرگذار

یقیناً یکی از مهم‌ترین منابع مشروعیت برای رهبری خط‌مشی عمومی، منصبی است که به موجب قانون دارای تعریفی رسمی است. قرارگرفتن در چنین مناصبی، خودبه‌خود چنین جایگاهی را ایجاد می‌کند؛ به‌عنوان مثال، باریلیوکس (۱۹۸۵) رئیس‌جمهور یک کشور را دارای جایگاهی ملی و بین‌المللی می‌داند که می‌تواند با ارائه راهکارهای مبتکرانه برای مسائل بین‌المللی با به‌دست‌گرفتن رهبری خط‌مشی بین‌المللی، منافع مدنظر برای کشورش را تأمین می‌کند و این جایگاه وی است که چنین قدرتی را به وی می‌دهد.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

شکل ۱ چهار مضمون کلان استخراج شده در میان مطالعه را به‌همراه هریک از مضمون‌های یکپارچه‌کننده زیرمجموعه‌شان نشان می‌دهد که هریک از مطالعات یکی از مضمون‌های یکپارچه‌کننده هر مضمون کلان را اختیار می‌کند. در جدول ۹ نیز مطالعات پیشین از لحاظ اختیار گزینه‌هایی که در هریک از مضمون‌های کلان داشتند، طبقه‌بندی شده‌اند. بررسی الگوهایی که هرکدام از مطالعات پیشین با اختیار حالت‌های مختلف مضمون‌های معیار می‌سازند، حاوی نکات ارزنده‌ای درباره طرزفکر پژوهشگران درباره پدیده رهبری خط‌مشی عمومی است. برای این منظور، با استفاده از یک ماتریس مضامین (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰) به صورت چهارتایی مرتب (الف، ب، ج، د) الگوهای مختلفی را می‌سازیم که هریک از مطالعات می‌توانند اختیار کنند. در این چهارتایی مرتب، «الف» نشان‌دهنده وضعیت مطالعه از بُعد مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی، «ب» نشان‌دهنده وضعیت مطالعه از بُعد سطح تحلیل، «ج» نشان‌دهنده وضعیت مطالعه از بُعد دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی و «د» هم نشان‌دهنده وضعیت مطالعه از بُعد سازوکار کسب مشروعیت است. اینک می‌توانیم تکرار الگوهای مختلف را تحلیل و بررسی کنیم.



شکل ۱. حالت‌های مختلف هریک از چهار مضمون کلان

با توجه به تعداد گزینه‌هایی که هریک از این مطالعات در هریک از مضمون‌های معیار می‌توانستند اختیار کنند، تعداد کل الگوهای ممکن، ۱۲۰ عدد است که با توجه به اینکه مطالعاتی که به این معیارها و گزینه‌ها شکل داده‌اند، ۳۰ عدد بوده‌اند، این مطالعات می‌توانستند حداکثر ۳۰ الگوی متفاوت را اختیار کنند؛ اما مشاهده می‌شود که این مطالعات تنها ۱۲ الگو از بین تمام الگوهای ممکن را اختیار کرده‌اند که از میان آن‌ها تنها ۵ الگو منحصر به فرد و غیر تکراری است. از میان ۷ الگویی که در میان مطالعات پیشین تکرار شده‌اند، (الگوهای پرتکرار)، بیشترین فراوانی مربوط به الگوی «هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، فردی، ملی و حل مسائل» است و پس از آن، الگوی «هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، فردی، ملی، جایگاه یا منصبی تأثیرگذار» بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. دو الگوی «هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، فردی، ملی، ویژگی‌های شخصیتی» و «ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف، دولت، ملی، جایگاه یا منصبی تأثیرگذار» نیز مشترکاً رده بعدی را از نظر فراوانی در میان سایر الگوها در اختیار دارند.

همچنین با آزاد گذاشتن یکی از عناصر چهارتایی‌های مرتب و بررسی تمامی سه‌تایی‌های مرتب ساخته‌شده از آن‌ها معلوم شد که الگوی «هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری

عمومی، فردی، ملی، د» دارای بیشترین فراوانی است که نشان از وجود توافق خوب میان مطالعات موجود درخصوص سه مضمون کلان اول است. الگوی «ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف، دولت، ملی، د» نیز در جایگاه بعدی قرار دارد که تمامی مطالعاتی را که در آن، سطح تحلیل دولت است، پوشش می‌دهد.

پوشش خوب این الگو بر روی مطالعات سطح تحلیل دولت، حاکی از آن است که تمامی پژوهشگرانی که کسب رهبری خط‌مشی عمومی را میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی جست‌وجو می‌کنند، مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی را ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف می‌دانند و دامنه نفوذ رهبری را تنها در سطح ملی می‌بینند؛ اما از نظر چگونگی کسب مشروعیت، برخی به توان حل مسائل و مشکلات و برخی دیگر به جایگاه تأثیرگذار قائل هستند. الگوی «ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها، ب، بین‌المللی، توان حل مسائل و مشکلات» نیز در جایگاه سوم قرار دارد که شامل مطالعاتی است که در سطح تحلیل بین‌المللی و سازمان‌هایی که اثرگذاری بین‌المللی دارند، انجام شده‌اند که در همگی آن‌ها اذعان به جست‌وجوی نوعی هم‌گرایی جهانی شده است و سازوکار کسب مشروعیتشان تنها از طریق توان حل مسائل و مشکلات است؛ همچنین بررسی منفرد هریک از اجزای چهارتایی‌های مرتب حاکی از آن است که هرگاه سطح تحلیل، فردی باشد، مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی، هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

ضمناً مضمون کلان سازوکار کسب مشروعیت تنها در یک الگو گزینه پیشگام کنشگر را اختیار کرده است که «ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها، کشور، بین‌المللی، پیشگام کنشگر» است و شامل دو پژوهش از میان پژوهش‌های موجود است که در سطح تحلیل کشور انجام شده است. این نکته نیز حائز اهمیت است: هنگامی که دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی عمومی، بین‌المللی باشد، شاهد بیشترین تفرق آرا میان پژوهشگران هستیم و این مسئله حاکی از عدم وجود توافقی مناسب میان پژوهشگران این حوزه است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چهار مضمون کلان مفهوم رهبری خط‌مشی، سطح تحلیل، دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی و سازوکار کسب مشروعیت، تشکیل‌دهنده ابعاد چارچوبی مفهومی شدند که از طریق آن‌ها می‌توان هریک از مطالعات در حوزه رهبری خط‌مشی عمومی را طبقه‌بندی کرد. نحوه کار

با این چارچوب، استفاده از چهارتایی مرتب یا توالی چهارتایی این چهار مضمون کلان است که الگوها را می‌سازند که با توجه به تعداد انتخاب‌هایی که برای هریک از مضمون‌های معیار دارند، ۱۲۰ الگوی نظری ممکن ساخته می‌شود که البته پژوهش‌های پیشین به تمامی آن‌ها نپرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، ویژگی‌های شخصیتی تنها برای سطح فردی مطرح است، پس اگر سطح تحلیل فردی نباشد، ۲۴ حالت ممکن آن، غیرمنطقی است که با کسر آن‌ها از تعداد حالات ممکن به عدد ۹۶ حالت می‌رسیم. از سوی دیگر، همان‌طور که ملاحظه شد، برخی از این الگوها پرتکرارتر از بقیه بودند و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان گونه‌ها یاد کرد.

در این مطالعه چهار گونه شناسایی شدند. گونه «هدایت فرایند خط‌مشی، فردی، ملی، د» که در مطالعات رهبری خط‌مشی عمومی در سطح ملی که افراد را به‌عنوان رهبر خط‌مشی عمومی، همچون رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، مشاور رده‌بالا و غیره، در نظر می‌گیرند، رویکرد غالب است. گونه دوم، «ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف، دولت، ملی، د» است که رویکرد غالب مطالعات در کشوقوس‌های میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی است. گونه سوم، در دامنه نفوذ بین‌المللی مشاهده می‌شود که موضوع مهم در آنجا توان حل مسائل و مشکلات باشد. رویکرد غالب در این دسته از مطالعات را به‌صورت «ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها، ب، بین‌المللی، توان حل مسائل و مشکلات» مشاهده می‌کنیم. گونه چهارم نیز مربوط به ایفاگری نقش رهبری خط‌مشی توسط کشورهای قدرتمند در عرصه بین‌المللی است که با گذشتن از منافع شخصی خود به نفع منافع جمعی کشورها، حرکتی را شکل می‌دهند که منجر به اقدامی مشترک از سوی تعداد قابل‌توجهی از کشورها می‌شود. رویکرد غالب در این مطالعات را به‌شکل ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی عمومی کشورها، کشور، بین‌المللی، پیشگام کنشگر شاهد هستیم.

با توجه به وفاق آرای مناسب در میان مطالعاتی که دامنه نفوذ رهبر خط‌مشی را ملی دانسته‌اند که شامل دو دسته سطح تحلیل فردی و دولت می‌شوند و با توجه به عدم وجود چنین توافقی میان مطالعاتی که دامنه نفوذ رهبری خط‌مشی عمومی را بین‌المللی پنداشته‌اند، پیشنهادی که می‌توان برای مطالعات آتی ارائه داد، برطرف کردن این مشکل در میان مطالعاتی است که دامنه نفوذ رهبری خط‌مشی عمومی را بین‌المللی دانسته‌اند؛ همچنین با توجه به افتراق آرای موجود در زمینه معنای رهبری خط‌مشی عمومی،

دستیابی به تعریفی واحد از این پدیده نیز جزو اولویت‌های پژوهشی آتی در این حوزه است. پیشنهاد مطالعاتی دیگر، بررسی سایر الگوهای منطقی‌ای است که در ترکیب حالت‌های مختلف مضمون‌های معیار به وجود می‌آیند و تاکنون پژوهشی درخصوص آن‌ها انجام نگرفته است؛ برای مثال، زمانی که صندوق بین‌المللی پول به کشوری ورشکسته وام می‌دهد تا اقتصاد خود را بازیابی کند، یک نهاد بین‌المللی به ایفای نقش رهبری خط‌مشی در سطح ملی می‌پردازد. آنچه جایگاه رهبری این صندوق را باعث می‌شود، چه پول باشد و چه نسخه‌های تجویزی آن، توان حل مسائل و مشکلات علت مشروعیت آن است و به نظر می‌آید که هدایت فرایند خط‌مشی، مضمون یکپارچه‌کننده رهبری خط‌مشی باشد. علی‌رغم وجود مصداق عینی برای این مورد، مطالعه‌ای با این موضوع بر روی آن انجام نگرفته است.

جدول ۹. طبقه‌بندی مطالعات پیشین بر اساس چهار مضمون کلان

ردیف	شناسه مطالعه	مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی	سطح تحلیل	دامنه نفوذ	سازوکار کسب مشروعیت
۱	Cerny, 1979	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	بین‌المللی	توان حل مسائل و مشکلات
۲	Thomas & Sigelman, 1984	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	ویژگی‌های شخصیتی
۳	Barilleaux, 1985	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	بین‌المللی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۴	Gerry, 1985	ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	دولت	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۵	Roberts, 1990	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	سازمانی	بین‌المللی	توان حل مسائل و مشکلات
۶	Banovetz, 1994	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۷	Hafer & Kutun, 1994	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی کشورها	سازمانی	بین‌المللی	توان حل مسائل و مشکلات
۸	Weatherford, 1994	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف ۲۲۹

ردیف	شناسه مطالعه	مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی	سطح تحلیل	دامنه نفوذ	سازوکار کسب مشروعیت
۹	Dunne, 1997	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	ویژگی‌های شخصیتی
۱۰	Levy, 1997	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی کشورها	نهادهای بین‌المللی	بین‌المللی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۱۱	Wallis & Dollery, 1997	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۱۲	Sullivan, et al., 1998	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۱۳	Huang, 2000	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۱۴	Luke, 2000	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۱۵	Palley, 2001	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۱۶	Coates & Ludema, 200۱	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی کشورها	کشور	بین‌المللی	پیشگام کنشگر
۱۷	Boismenu & Graefe, 2004	ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	دولت	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۱۸	Dyson, 2005	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۱۹	Wallis & Dollery, 2005	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۲۰	Kershaw, 2006	ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	دولت	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۲۱	Curtin, 2008	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۲۲	Telford et al., 2008	ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	دولت	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار

ردیف	شناسه مطالعه	مفهوم رهبری خط‌مشی عمومی	سطح تحلیل	دامنه نفوذ	سازوکار کسب مشروعیت
۲۳	Gleeson, 2009	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	ویژگی‌های شخصیتی
۲۴	Weatherford, 2009	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات
۲۵	Christians, 2010	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی‌کشورها	نهادهای بین‌المللی	بین‌المللی	توان حل مسائل و مشکلات
۲۶	Lingenfelter, 2012	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۲۷	Vanderheide n, 2012	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی‌کشورها	کشور	بین‌المللی	پیشگام کنشگر
۲۸	Biggs & Polomska, 2013	ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	دولت	ملی	جایگاه یا منصبی تأثیرگذار
۲۹	Ellerman, 2014	ایجاد هم‌گرایی در خط‌مشی‌کشورها	نهادهای بین‌المللی	بین‌المللی	توان حل مسائل و مشکلات
۳۰	Graves, 2014	هدایت فرایند خط‌مشی‌گذاری	فردی	ملی	توان حل مسائل و مشکلات

کتابنامه

الف. فارسی

استیگلیتز، جوزف، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
 عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی؛ ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، پیاپی ۱۰، ص ۱۵۱ تا ۱۹۸.
 یاوری، وحید و شمس‌السادات زاهدی، «طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲، پیاپی ۱۴، ص ۷۹ تا ۱۲۲.

ب. انگلیسی

Alhojailan, M. I. (2012). Thematic analysis: A critical review of its process and evaluation. *West East Journal of Social Sciences*, 1(1), 39-47.

- Avolio, B. J., & Yammarino, F. J. (1990). "Operationalizing charismatic leadership using a levels-of-analysis framework". *The Leadership Quarterly*, 1(3), pp 193-208.
- Banovetz, J. M. (1994). "City managers: Will they reject policy leadership?". *Public Productivity & Management Review*, pp 313-324.
- Barilleaux, R. J. (1985). "The President," Interim Issues, and the Risks of Policy Leadership". *Presidential Studies Quarterly*, pp 754-767.
- Biggs, P., & Polomska, A. (2013). "The importance of national policy leadership". *The global information technology report*, pp 53-65.
- Boismenu, G., & Graefe, P. (2004). "The new federal tool belt: Attempts to rebuild social policy leadership". *Canadian Public Policy/Analyse de Politiques*, pp 71-89.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Cerny, P. G. (1979). "Foreign policy leadership and national integration". *Review of International Studies*, 5(1), pp 59-85.
- Christians, A. (2010). "Taxation in a Time of Crisis: Policy Leadership from the OECD to the G20". *Nw. JL & Soc. Pol'y*, 5, pp 19-40.
- Coates, D. E., & Ludema, R. D. (2001). "A theory of trade policy leadership". *Journal of Development Economics*, 65(1), pp 1-29.
- Curtin, J. (2008). "Women, political leadership and substantive representation: The case of New Zealand". *Parliamentary Affairs*, 61(3), pp 490-504.
- Dunne, M. (1997). "Policy leadership, Gen X style". *National Civic Review*, 86(3), pp 251-260.
- Dye, T. R. (2013). *Understanding Public Policy*: Pearson New International Edition. Washington, D.C.: Pearson Higher Ed.
- Dyson, P. T. A. (2005). *Politics of German defence policy: Policy leadership, Bundeswehr reform and European defence and security policy*. Doctoral dissertation. London School of Economics and Political Science.
- Ellerman, D. (2014). "The shifting locus of global climate policy leadership". *The EU, the US and Global Climate Governance*, pp 41-57.
- Gerry, M. H. (1985). "Policy development by state and local education agencies: The context, challenge, and rewards of policy leadership". *Remedial and Special Education*, 6(3), pp 9-17.
- Given, L.M. (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*, Thousand Oaks, CA, US: SAGE Publications.
- Gleeson, D. (2009). *Developing policy leadership: a strategic approach to strengthening policy capacity in the health bureaucracy*. Doctoral dissertation, La Trobe University.
- Graves, A. (2014). *Policy Leadership in Higher Education*. Doctoral dissertation, California State University.
- Hafer, R. W., & Kutan, A. M. (1994). "A long run view of German dominance and the degree of policy convergence in the EMS". *Economic Inquiry*, 32(4), pp 684-695.
- Hosmer, R. (2008). *Discussing the dead: Patterns of family interaction regarding lost family members*. Published thesis. USA: University of Denver.
- Huang, X. (2000). "Managing Fluctuations in US-China Relations: world politics, national priorities, and policy leadership". *Asian Survey*, 40(2), pp 269-295.

- Kershaw, P. (2006). "Weather van federalism: Reconsidering federal social policy leadership". *Canadian Public Administration*, 49(2), pp 196-219.
- Leung, L. (2015). Validity, reliability, and generalizability in qualitative research. *Journal of family medicine and primary care*, 4(3), 324.
- Levy, D. A. (1997). "Regulating digital broadcasting in Europe: The limits of policy convergence". *West European Politics*, 20(4), pp 24-42.
- Lingenfelter, P. E. (2012). "State Policy Leadership for Higher Education: A Brief Summary of the Origins and Continuing Evolution of a Profession". *State Higher Education Executive Officers*.
- Luke, J. S. (2000). "Policy leadership". *Defining Public Administration: Selections from the International Encyclopedia of Public Policy and Administration*, Editor in Chief: Jay M. Shafritz. Colorado: Westview Press. pp 43-64.
- Mills, A. J., Durepos, G. and Wiebe, E. (2010). *Encyclopedia of case study research*, Thousand Oaks, CA, US: SAGE Publications.
- Neuendorf K. (2002) *The Content Analysis Guidebook*. Sage Publications Inc., Thousand Oaks, CA.
- Ostrom, E. (2007). Institutional rational choice: An assessment of the institutional analysis and development framework. *Theories of the policy process*, 2, pp 65-92.
- Palley, M. L. (2001). "Women's policy leadership in the United States". PS: *Political science and politics*, 34(2), pp 247-250.
- Roberts, C. B. (1990). "NASA and the loss of space policy leadership". *Technology in Society*, 12(2), pp 139-155.
- Ryan, G. W., & Bernard, H. R. (2003). Techniques to identify themes. *Field methods*, 15(1), 85-109.
- Smith, K., & Larimer, C. (2009). *The Public Policy Theory Primer*. Boulder. Co: Westview.
- Sullivan, M. J., Groveman, A. M., Heldring, M. B., DeLeon, P. H., & Beauchamp, B. (1998). "Public policy leadership opportunities for psychologists". *Professional Psychology: Research and Practice*, 29(4), pp 322-327.
- Telford, H., Graefe, P., & Banting, K. (2008). "Defining the federal government's role in social policy: The spending power and other instruments". *IRPP Policy Matters*, 9(3), pp 108-123.
- Thomas, D., & Sigelman, L. (1984). "Presidential identification and policy leadership: Experimental evidence on the Reagan case". *Policy Studies Journal*, 12(4), pp 663-675.
- Vanderheiden, S. (2012). "Coaxing climate policy leadership". *Ethics & International Affairs*, 26(4), pp 463-479.
- Wallis, J., & Dollery, B. (1997). "Autonomous policy leadership: steering a policy process in the direction of a policy quest". *Governance*, 10(1), pp 1-22.
- Wallis, J., & Dollery, B. (2005). "The impact of alternative styles of policy leadership on the direction of local government reform". *International Journal of Social Economics*, 32(4), pp 291-306.
- Weatherford, M. S. (1994). "Responsiveness and deliberation in divided government: Presidential leadership in tax policy making". *British Journal of Political Science*, 24(1), pp 1-31.

فهم ابعاد کلیدی رهبری خط‌مشی عمومی: چارچوبی مفهومی برای گونه‌شناسی رویکردهای مختلف ۲۳۳

Wilson, Richard. (2006). "Policy Analysis as Policy Advice." In *The Oxford Handbook of Public Policy*, ed. Michael Moran, Martin Rein, and Robert E. Goodin, 152–168. New York: Oxford University Press.

Zahariadis, N. (2007). The Multiple Streams Framework: structure, limitations, prospects' in Sabatier, PA (ed). *Theories of the Policy Process* (pp 65-92).

یادداشت‌ها

1. Xenophon.
2. Niccolò Machiavelli .
3. Jean-Jacques Rousseau.
4. Thomas Jefferson.
5. John Adams.
6. Benjamin Franklin.
7. Sun Tzu.
8. Stiglitz.
9. Public Policy.
10. Politics.
11. Political.
12. Strategy.
13. Vision.
14. Plan.
15. Roadmap.
16. Political Leadership.
17. Cohen's Kappa.
18. Co-Occurrence.

